



آثار تربیتی عمل به واجب الهی «امر به معروف و نهی از منکر»

طیبه بتول (نویسنده مسئول) *

قمر زهرا **

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین واجبات دینی بوده و تأکید اسلام بر اهمیت این فریضه بسیار زیاد است. در این مقاله سعی بر این بوده که ابتدا تعریفی از امر به معروف و نهی از منکر ارائه شود، سپس فضایل و اهمیت و ضرورت آن بررسی شود. قرآن کریم به ما می‌آموزد که هم باید خودمان کارهای خوب انجام دهیم و از بدی‌ها فاصله بگیریم و هم دیگران را راهنمایی کنیم. از این رو لقمان حکیم در برنامه تربیتی‌اش تنها از فرزندش نمی‌خواهد که نماز بخواند، بلکه به او می‌آموزد که دیگران را نیز به کار خوب تشویق کند. هدف از نگارش این مقاله این بوده است که لزوم انجام امر به معروف و نهی از منکر بیان شود و آثار عمل به آن و ترک آن یادآوری شود. در آخر هم مصادیق عملی از امر به معروف و نهی از منکر ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: واجب الهی، امر به معروف و نهی از منکر، فریضه، نظارت در جامعه اسلامی.

* دانش‌پژوه کارشناسی رشته فقه و معارف اسلامی جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه نمایندگی خراسان

** دانش‌پژوه کارشناسی رشته فقه و معارف اسلامی جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه نمایندگی خراسان



مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر، دو فریضه اساسی برای نظارت عمومی در جامعه اسلامی است. بنا بر آموزه‌های اسلامی انسان‌ها نمی‌توانند نسبت به یکدیگر بی‌تفاوت باشند. امر به معروف و نهی از منکر یکی از واجبات دینی است و در آیات متعددی از قرآن کریم به آن سفارش شده است. در این مقاله بر پایه آیات قرآن کریم به بررسی موضوع امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازیم. برخی از مطالب مطرح شده در این مقاله عبارت‌اند از:

- دلیل امر به معروف و نهی از منکر؛
- شرایط واجب شدن امر به معروف و نهی از منکر؛
- ضرورت امر به معروف و نهی از منکر؛
- آثار و برکات امر به معروف و نهی از منکر.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. مفهوم تربیت

تربیت که در فارسی پرورش خوانده می‌شود، به معنای «پروراندن، پروردن و آموختن و...» آمده است. (حائری شیرازی، ۱۳۶۰)

این واژه در اصل عربی است و از ماده «ربو» به معنای زخم، زمین، فزون یافتن، زمین بلند و... است. (حر عاملی، ۱۴۰۹) راغب از آن چنین تعبیر می‌کند: «تربیت پدید آوردن حالت تدریجی در چیزی است تا به حد کمال برسد». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲)

کتاب‌های مختلف در معنای اصطلاحی تربیت، تعریف‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند، از جمله:



تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند استعدادهای نهفته‌اش را در تمام ابعاد وجود، و به طور هماهنگ پرورش داده، شکوفا سازد و به سوی هدف و کمال مطلوب تدریجاً حرکت کند. (داوودی، ۱۳۸۴)

تربیت کردن، آگاه ساختن، شکل دادن و بالاخره رشد و نمو بخشیدن، همگی دارای ریشه واحدی هستند. (دهخدا، ۱۳۷۵)

تربیت به معنای به فعلیت رساندن استعداد و به کمال رساندن مستعد کمال است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲)

پرورش به جریان یا فرایند منظم و مستمر گفته می‌شود که هدف آن هدایت رشد جسمانی و روانی، یا به طور کلی هدایت رشد همه جانبه شخصیت پرورش یابندگان در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعدادهای آنان است. (سعدی، ۱۳۷۵)

از مجموع تعریف‌های ارائه شده می‌توان تعریفی را برگزید که هم مختصر و هم جامع اکثر این تعاریف باشد و آن عبارت است از: «آماده‌سازی شرایط و عوامل مناسب برای شکوفا ساختن استعدادهای بالقوه مستعد در همه ابعاد انسانی و رساندن تدریجی متربی به کمال مطلوب». اکنون لازم است که معروف و منکر نیز روشن شود و آن‌گاه با توجه به همان معنا به بررسی کارکرد تربیتی امر به معروف و نهی از منکر در سیره پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌پردازیم.

۱.۲. وجوب الهی

وجوب در لغت به معنی ثبوت، لزوم و سقوط است. در اصطلاح نیز وجوب از اقسام احکام الزامی بوده و عبارت است از حکم تکلیفی شرعی که شارع به طور جزم و الزام، انجام



متعلق آن را از مکلف خواسته و راضی به ترک آن نیست، و برای عمل به آن پاداش و برای ترکش کیفر قرار داده است؛ مانند وجوب نماز، روزه و ادای امانات.

۱.۳. مفهوم معروف و منکر

معروف و منکر نیز مانند بسیاری از واژگان دیگر به دو معنای لغوی و اصطلاحی به کار می‌روند، ولی معنای لغوی و اصطلاحی این دو از هم دور نیستند. بنابراین معروف در لغت از ماده «عرف» ضد نکر، هر چیز پسندیده‌ای است که نفس آن را می‌شناسد و به آن انس می‌گیرد و آرامش می‌یابد (سلطان محمدی، ۱۳۸۵) و مُنْكَر: خلاف معروف، هر امری است که شرع آن را زشت بشمارد و حرام و ناخوشایند بداند. (سیف، ۱۳۸۴)

به تعبیر دیگر «معروف اسم هر کاری است که حسن آن را عقل و شرع تشخیص دهند و منکر آن است که عقل و شرع آن را انکار نمایند». (شریعتمداری، ۱۳۸۰)

در اصطلاح فقهی نیز «معروف» هر کار پسندیده‌ای است که افزون بر خوبی، دارای وصف زائد باشد، از قبیل استحباب، وجوب و . . . که یا خود انجام دهنده آن را به واسطه اجتهاد بشناسد یا در صورتی که مقلد باشد به آن راهنمایی اش کنند.

«منکر» نیز کار زشتی است که یا خود انجام دهنده آن را بشناسد، یا از طریق دیگران بشناسد، (از طریق مجتهد). (شیخ طوسی، ۱۳۶۵)

از آنجا که منکر و معروف هم به فرهنگ وابسته است و هم عقل آن را می‌شناسد، یعنی برخی از منکرات در همه فرهنگ‌ها منکر است و برخی از معروف‌ها در همه فرهنگ‌ها معروف به حساب می‌آید، ولی برخی از مصادیق معروف و منکر را از طریق شرع باید شناخت. به همین دلیل کسانی که برخی از مصادیق منکر را انجام می‌دهند و برخی معروف‌ها را ترک می‌کنند، و در شناختن آن نیز کوتاهی نکرده‌اند و از روی لجاجت نیز نیست قاصر شناخته می‌شوند و در پیشگاه خداوند معذورند.

۱. ۴. امر و نهی

امر فرمان دادن به کاری است و نهی بازداشتن و منع کردن از چیزی. و یا نهی طلب و ا گذاشتن حاجتی است، خواه برآورده شود یا نشود. وقتی مفهوم معروف و منکر و امر و نهی روشن گشت، امر به معروف و نهی از منکر نیز به تبع آن روشن می‌گردد، زیرا امر به معروف، فرمان دادن به معروف و کارهای نیک است که در اسلام معروف و شناخته شده است و نهی از منکر بازداشتن و منع کردن از ممنوعات شرعیه و ارتکاب بدی‌ها و زشتی‌ها است. (شیخ مفید، ۱۴۱۰)

۲. دلایل قرآنی و روایی امر به معروف و نهی از منکر

۱. ۲. دلایل قرآنی

در آیات متعددی از قرآن به امر به معروف و نهی از منکر سفارش شده است. در این مقاله بر پایه منشور تربیتی لقمان که در سوره مبارکه لقمان بیان شده است به بررسی مسئله امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازیم. پنجمین فرمان در منشور تربیتی قرآن از زبان لقمان حکیم، سفارش درباره امر به معروف و نهی از منکر است. در آیه ۱۷ این سوره آمده است: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ».

در این آیه لقمان ابتدا به پسر خود می‌گوید که نماز را برپادار، اما نمی‌گوید فقط خودت نماز بخوان، بلکه اضافه می‌کند که «وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ»، به کارهای خوب امر کن، یعنی از دیگران بخواه که اعمال خوب انجام دهند. با زبان نرم و خوش اخلاقی و مهر و محبت از دیگران هم مطالبه کن و تلاش کن آنها را به راه خدا بیاوری.

سوالی که اینجا مطرح می‌شود این است که آیا بر ما واجب است تمام این مسائل را از قرآن بیاموزیم و به آن عمل کنیم؟ جواب این است که یقیناً همین‌طور است. قرآن در آیات





مختلفی خطاب به تمام مؤمنین می فرماید که باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، از جمله:

۱. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ».

مردان و زنان با ایمان دوست و یار یکدیگرند؛ همواره به کارهای نیک و شایسته فرمان می دهند و از کارهای زشت و ناپسند باز می دارند، و نماز را برپا می کنند، و زکات می پردازند، و از خدا و پیامبرش اطاعت می نمایند؛ یقیناً خدا آنان را مورد رحمت قرار می دهد، زیرا خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است.

در این آیه می فرماید که بعضی مردان و زنان مؤمن، یکدیگر را به کارهای خوب امر می کنند و از کارهای بد نهی می کنند. چرا که خداوند در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر به مؤمنین ولایت داده است. در آیه دیگری می فرماید باید جمعی باشند که اهتمام ویژه‌ای به امر به معروف و نهی از منکر داشته باشند:

۲. «وَلِتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».

و باید در میان شما گروهی باشند که به نیکی فرمان دهند و از کار ناشایسته باز دارند و هم آنان رستگارانند.

می فرماید که می بایست از میان مسلمانان و مؤمنین، گروهی باشند که امر به معروف و نهی از منکر کنند. بعد می فرماید که اینها رستگار هستند.

۳. قرآن نمی خواهد که فقط خودمان خوب باشیم، بلکه می فرماید خوبی را نشر دهید و تبدیل به فرهنگ کنید. در سوره عصر می فرماید: «وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ».

همه انسان‌ها در زیان‌اند. انسان، عمر خود را که سرمایه ابدی اوست از دست می‌دهد، پس همه زیان می‌کنند، مگر کسانی که مؤمن و اهل عمل صالح باشند و یکدیگر را به حق توصیه نموده و به شکیبایی سفارش کرده‌اند.

یعنی غیر از اینکه خود اهل ایمان هستند، دیگران را هم به ایمان دعوت می‌کنند. بعد از اینکه خود نماز خواندند، تا جایی که می‌توانند دیگران را هم نمازخوان می‌کنند. نه تنها خودشان گناه نمی‌کنند که دیگران را هم به ترک گناه وامی‌دارند. پس طبق آموزه‌های قرآن، این وظیفه ما است که به فرزندان خود بیاموزیم: «أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ»، چرا که این نگاه قرآن کریم است؛ و فرزندان خود را نسبت به معروف و منکر حساس کنیم.

۲.۲. دلایل روایی

پیامبر اکرم فرمود: آمران به معروف، خلیفه خدا در زمین هستند. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۴: ۳۸/۳)

در حدیث دیگر می‌خوانیم: «خداوند، دشمن مؤمن بی‌دین است. پرسیدند یا رسول الله! مگر مؤمن بی‌دین می‌شود؟ فرمود: مسلمانی که امر به معروف نکند، بی‌دین است. حضرت علی علیه السلام فرمود: نهی از منکر، به خاک مالیدن بینی فاسقان است. امر به معروف و نهی از منکر دو خلق از اخلاق الهی است که هر کس این دو فریضه را یاری کند، خداوند به او عزت می‌دهد.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: امر به معروف و نهی از منکر برای عموم مردم یک مصلحت است (انگیزه آنان را نسبت به کار خیر زیاد می‌کند)، و نهی از منکر برای افراد نابخرد که گرایش به انحراف در آنان زیاد است، وسیله کنترل قوی است. امام باقر علیه السلام در مقام شکایت می‌فرماید: افرادی هستند که اگر نماز ضروری به مال یا جان‌شان بزند، آن را ترک می‌کنند؛ همان گونه که امر به معروف و نهی از منکر را که بزرگ‌ترین و شریف‌ترین واجبات است، به همین خاطر رها کردند».



کسی که جلو منکر را نگیرد، مانند کسی است که مجروحی را در کنار جاده رها کند تا بمیرد. افراد ساکت که در برابر خلافکار هیچ گونه عکس‌العملی نشان نمی‌دهند، مردگانی هستند در میان زندگان.

منکر مثل آتشی است که اگر با نهی شما خاموش نشود، همه چیز را می‌سوزاند. اگر گزنده‌ای را دیدی که به سوی انسان خفته‌ای می‌رود، ولی فریاد نکشیدن، در قتل او شریکی. امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که بتواند جلوی مفسد را بگیرد، ولی نگیرد، دوست دارد که خداوند متعال معصیت شود؛ چنین کسی اعلام دشمنی با خدا کرده است. آری! کسی که گناه را آشکارا انجام دهد، دین خدا را ذلیل و دشمنان خدا را دل‌شاد کرده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: گروهی هستند که نه پیامبرند و نه شهید؛ ولی مردم به مقام آنان که به خاطر امر به معروف به دست آورده‌اند، غبطه می‌خورند. در قرآن می‌خوانیم: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا»، خود و بستگانتان را از آتش دوزخ حفظ کنید.

روایات ذیل این آیه می‌فرماید: «این حفظ باید از طریق امر به معروف و نهی از منکر صورت گیرد».

اگر مردم در برابر منکر سکوت کنند، قهر خدا همه را با هم خواهد گرفت: «وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً».

هر کس به امر به معروف و نهی از منکر ایمان ندارد، دین ندارد.

قله دین، امر به معروف و نهی از منکر، و اجرای حدود الهی است.

پایه و اساس دین بر امر به معروف و نهی از منکر و اجرای حدود الهی است.

خداوند راضی نیست که در زمین معصیت نشود و اولیای او همچنان ساکت بمانند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل آمد و گفت که اسلام ۱۰ بخش دارد و بخش هفتم آن امر به معروف و نهی از منکر است».



در روایات، به مسلمانی که نهی از منکر نمی‌کند، لقب ضعیف و بی‌دین داده شده و مورد غضب خداوند قرار گرفته است.

در قرآن می‌خوانیم: پیامبرانی همچون داوود علیه السلام و عیسی علیه السلام به کسانی که نهی از منکر نمی‌کنند، لعنت فرستاده‌اند.

امر به معروف و نهی از منکر راه انبیا، سیره صلحا و واجبی بزرگ است که با انجام آن، جاده‌ها امن و درآمدها حلال و حقوق مردم ادا می‌شود.

امام حسین علیه السلام در آخرین لحظه عمر خود، هنگامی که دید لشکر یزید به خیمه‌های اهل بیت حمله‌ور شدند. آخرین جمله‌ای که به آن‌ها فرمود، این بود: اگر دین ندارید، لااقل در دنیای خود آزاده باشید». این سخن اثر کرد و تا امام زنده بود، از هجوم به خیمه‌ها دست کشیدند. ما از این جمله آخر، چند درس بگیریم:

۱. نهی از منکر واجب است، حتی در لحظه آخر عمر.
۲. نهی از منکر واجب است، حتی نسبت به وحشی‌ترین افراد.
۳. اگر چند منکر انجام می‌شود و ما می‌توانیم از یکی از آن‌ها جلوگیری کنیم، باز هم نسبت به آن یکی واجب است که اقدام کنیم.
۴. افراد خلافکار ممکن است از بعضی از منکرات دست بردارند و تحت تأثیر وجدان قرار بگیرند.
۵. اگر از دین مردم نمی‌توان برای نهی از منکر کمک گرفت، از صفات دیگر آنان و از عوامل عاطفی استفاده کنید.
۶. حمایت از ناموس از بزرگ‌ترین واجبات است.

۱.۲.۲. نهی از منکر در سخت‌ترین شرایط

پدر، برادر، عمو و ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله را در پیش چشم امام سجاد علیه السلام شهید کردند و خود او را نیز به اسارت گرفتند و در کوفه و شام گردانند. وقتی او را به مسجد شام بردند و دید که



خطیب روی منبر از یزید ستایش می‌کند، یک تنه در حضور یزید فریاد زد: ای خطیب! تو با این تملق و ستایش، رضای یزید را به قهر خدا معامله کردی. تو مورد غضب پروردگار هستی. من باید از این چوب‌ها بالا بروم و جای این واعظ چاپلوس بنشینم تا بزرگ‌ترین معروف‌ها را که معرفی اسلام محمدی و اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام است، زنده کنم. سپس امام به بالای منبر رفت و با سخنرانی خود، کودتای فکری و فرهنگی و عاطفی و سیاسی کرد.

سکوت کافی نیست، حرکت و فریاد لازم است.

امام صادق علیه‌السلام که در یک مهمانی شرکت فرموده بودند، یکی از مهمان‌ها از صاحبخانه با اشاره آب طلبید. او هم شرابی آورد.

حضرت به محض آنکه متوجه شد، مجلس را ترک کرد و فرمود: «جلسه‌ای که در آن شراب بنوشند، نه تنها نباید خورد که باید آن جلسه را ترک کرد تا دیگران بفهمند که شراب‌خواری کاری زشت است».

در تاریخ نوشته‌اند اسامه بن زید که در زمان رحلت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمانده جنگ شد و در آن هنگام جوانی هیجده ساله بود، روزی خدمت امیرالمؤمنین علیه‌السلام شرفیاب شد و از حضرت کمک خواست. امام فرمود: من کمک نمی‌کنم. او گفت من همان اسامه، صحابی نزدیک رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بودم. فرمود: درست است، اما به یاد داری که وقتی ما با معاویه درگیر بودیم، تو ساکت نشستی. سکوت تو گناه بود، اگر چه با معاویه نبود، اما با سکوت وی را همراهی کرد.

بنابراین، منطق سکوت و در عین حال سلامت از گناه، منطق صحیح نیست. یکی از نمایندگان مجلس در قبل از انقلاب اسلامی، خدمت حضرت امام خمینی ره رسید و گفت: قانونی می‌خواست تصویب شود که ضد اسلام بود من رأی ندادم. امام با عصبانیت فرمودند: کافی نبود. باید داد و فریاد به راه می‌انداختی و مجلس را ترک می‌کردی.



بنابراین، خوب‌ها نباید در برابر انحرافات سکوت کنند. اگر خوب‌ها به میدان بیایند، فضای آلوده را تغییر می‌دهند؛ برای مثال، اگر همه خوب‌ها اول ظهر اذان بگویند، فضا به کلی دگرگون می‌شود.

۳. شرایط واجب شدن امر به معروف و نهی از منکر

برای وجوب امر به معروف و نهی از منکر پنج شرط بیان شده است. یعنی با تحقق این پنج شرط امر به معروف و نهی از منکر بر هر مسلمانی واجب می‌شود:

۳. ۱. علم و آگاهی آمر به معروف

کسی که می‌خواهد امر به معروف و نهی از منکر بکند باید خود عالم به آن مسئله باشد. جاهلانه سخنی نگوید، روی ذوق و سلیقه خود یا از روی تعصبات بی‌جا حرف نزند، بلکه معروف و منکری که مطرح می‌کند دقیقاً مبتنی بر احکام خدا باشد. به یاد دارم که قبل از انقلاب فردی در حرم حضرت معصومه علیها السلام به جوانی عتاب و خطاب می‌کرد که چرا اینقدر موی سر تو بلند است؟ چرا آن‌ها را با ماشین نزدی؟ من گفتم: مگر این حرام است؟ گفت: حرام است! این یک نهی از منکر جاهلانه است. ما باید با دقت وارد شویم، احکام خدا را بدانیم و دقیق امر به معروف و نهی از منکر کنیم.

۳. ۲. احتمال اثر در امر به معروف و نهی از منکر

شرط دوم این است که احتمال بدهیم که کار ما اثر خواهد داشت. البته در اینجا دو نظر وجود دارد؛ یکی اینکه بعضی از بزرگان و مراجع فرموده‌اند که هر امر به معروف و نهی از منکری حتماً اثر دارد، ممکن است کسی از ما قبول نکند و حتی ناراحت و عصبانی هم بشود اما یک اثری در ذهن او می‌گذارد و اگر این مسئله از جانب چند نفر دیگر هم تکرار شود آن قطعاً بیشتر و عمیق‌تر خواهد بود. بنابراین اگر زمینه‌ای می‌بینیم، باید این کار را انجام



دهیم. نظر دوم این است که گفته‌اند حتی اگر احتمال اثر هم ندهیم، مستحب است که امر به معروف و نهی از منکر کنیم.

۳.۳. اصرار بر گناه

شرط سوم این است که آن فردی را که از منکر نهی می‌کنیم بر آن گناه مصرّ باشد. ممکن است یک بار خطایی از کسی سر می‌زند، ولی می‌دانیم او آدم خوبی است و در واقع اشتباهی اتفاق افتاده است. اما یک وقت اصرار بر آن کار دارد و آن را ادامه می‌دهد.

۳.۴. نداشتن عذر موجه

شرط چهارم این است که فردی را که امر به معروف یا نهی از منکر می‌کنیم، عذری بر انجام یا عدم انجام آن کار نداشته باشد. مثلاً می‌بینیم کسی در ماه رمضان روزه می‌خورد، ممکن است معذور باشد، مسافر یا مریض باشد. اگر دانستیم عذری ندارد، واجب است تذکر دهیم.

۳.۵. نداشتن مفسده

شرط پنجم این است که مفسده‌ای به دنبال این کار نباشد. ممکن است فرد در موقعیتی قرار گیرد که جانش به خطر بیفتد یا ضرر و زیان بسیار سنگینی بر حیثیت و اموالش وارد شود. با این پنج شرط امر به معروف و نهی از منکر واجب می‌شود.

۴. مراتب امر به معروف و نهی از منکر

از دیدگاه امام علی علیه السلام، فریضه امر به معروف و نهی از منکر سه مرتبه دارد؛ مرتبه قلبی، مرتبه لسانی (زبانی) و مرتبه یدی (دستی و عملی).

این تقسیم‌بندی در کتاب‌های فقهی علمای اسلام نیز رایج گشته و تمامی فقها هنگام بحث از این فریضه، آن را به سه مرتبه به شرح فوق تقسیم می‌نمایند. هر یک از مراتب مذکور خود دارای مراحل است که آمر و ناهی با رعایت الیسر فلاعسر (از ساده به سخت) باید امر و نهی نمایند. در اینجا ابتدا روایت‌هایی از آن حضرت ﷺ را در این خصوص می‌آوریم، آن‌گاه در خصوص پایین‌ترین مرتبه یعنی مرتبه قلبی که حداقل مراتب است، بحث مستقلی خواهیم داشت.

۴. ۱. مرتبه قلبی

«و انکر المنکر بیدک و لسانک و باین من فعله بجهدک؛ با دست و زبانت نهی از منکر کن و با تمام وجود از کسی که مرتکب آن می‌شود، دوری نما».

مراتب سه‌گانه امر و نهی در این روایت از مشکل به آسان (دست، زبان، قلب) بیان گردیده است. دوری جستن از فرد گناهکار یکی از مراحل مرتبه قلبی است که در این روایت به عنوان حداقل اقدامی که انسان باید در مقابل مرتکب منکر انجام دهد، ذکر شده است.

۴. ۲. مرتبه زبانی

ایها المؤمنون انه من رای عدواناً یعمل به و منکراً یدعی الیه فانکره فقد سلم و برئ،
و من انکره بلسانه فقد أجر و هو أفضل من صاحبه، و من انکره بالسيف لتکون
کلمه الله هی العلیا و کلمه الظالمین هی السفلی فذلک الذی اصاب سیل الهدی و
قام علی الطریق و نور فی قلبه الیقین.

ای مؤمنان، هرگاه کسی دید که به دشمنی و نافرمانی حق عمل می‌شود و منکری رواج می‌یابد و آن را قلباً انکار نماید و از آن بیزاری جوید، راه به سلامت برده و از گناه تبرئه می‌شود. هر کس آن را با زبان نیز انکار کرده و با آن به مخالفت برخیزد، اجر و پاداش نیز دریافت داشته و چنین کسی از قلبی بهتر است. هر کس آن را به وسیله شمشیر انکار و با آن



مبارزه نماید و کاری کند که جبهه حق و کلمه الله متعالی شود و جبهه ناحق و جانب ظالمان پست و خوار گردد، او راه هدایت را پیدا کرده بر راه مستقیم و راست قرار گرفته و یقین را در قلبش شکوفا ساخته است.

حضرت در اینجا ضمن اینکه نهی از منکر را در سه مرتبه‌ی عملی می‌داند، ارزش و اهمیت هر یک را نیز یادآور می‌شود که مرتبه لسانی را از مرتبه قلبی و مرتبه یدی را از مرتبه زبانی بالاتر اعلام می‌کند. عمل در حد مرتبه قلبی باعث می‌شود که انسان خود را سالم نگه داشته و مرتکب گناه نگردد. در مرحله زبانی، آمر و ناهی، اجر و پاداش نیز می‌گیرد و در مرحله پایانی بالاترین پاداش را که عبارت از هدایت به راه راست و حرکت در آن طریق است، نصیب خود می‌گرداند.

فمنهم المنکر بیده و لسانه و قلبه فذلک المستعمل لخصال الخیر، و منکم المنکر بلسانه و قلبه و التارک بیده فذلک متمسک بخصلتین من خصال الخیر و مضیع خصله، و منهم المنکر بقلبه و التارک بیده و لسانه فذلک الذی یضع اشرف لخصلتین من الثلاث و متمسک و منهم تارک لانکار المنکر بلسانه و قلبه و یده فذلک میت الاحیاء.

گاهی فرد با دست و زبان و قلب نهی از منکر می‌کند، چنین کسی همه خصلت‌های خیر را تکمیل می‌نماید. گاه تنها با زبان و قلب نهی از منکر کرده و مرتبه دستی را ترک می‌نماید، چنین فردی دو خصلت خیر را به چنگ آورده، ولی یکی را ضایع نموده و از دست داده است. گاهی نیز فقط در قلب نهی از منکر نموده و مرتبه دستی و زبانی را رها می‌کند وی در این حالت دو خصلت شریف و برتر را از دست داده و تنها به یکی از خصلت‌های سه‌گانه اکتفا نموده است. گاهی نیز نهی از منکر را در زبان، قلب و عمل رها و ترک می‌کند، در این حالت فرد مزبور مرده متحرک است.

«مرده‌ی متحرک» بهترین تعبیر برای کسی است که حتی در قلبش نسبت به معروف‌هایی که به آن‌ها عمل نمی‌شود و منکراتی که رواج پیدا می‌کند، عکس‌العمل نشان نمی‌دهد. این چنین کسی به راستی که مرده‌ای است در بین زندگان، چرا که قلب او که مایه‌ی حیات و مرکز تحرک اوست، از خاصیت افتاده و درواقع مرده است.

اول ما تغلبون علیه من الجهاد، الجهاد با یدیکم ثم بالسنتکم ثم بقلوبکم، فمن لم يعرف بقلبه معروفاً و لم ینکره منکراً و جعل اعلاه اسفله و اسفله اعلاء.

اولین مرتبه‌ای از جهاد که در آن شکست می‌خورید، جهاد با دست است، سپس جهاد با زبان، و آن‌گاه جهاد با قلبهای تان می‌باشد. هرکس در قلبش معروفی را جای ندهد و منکری را از آن نراند، سرنگون می‌شود.

در کلام قبلی حضرت، تارکان فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر را در مرتبه قلبی، مرده‌ای در بین زندگان، و در اینجا سرنگون شده‌ای که سرش به پایین و پاهایش به طرف بالاست، معرفی نموده است. این عبارتها، تحقیرآمیزترین تعبیراتی هستند که زبان امام معصوم نسبت به این دسته از افراد بیان شده است.

روایت‌های مذکور همگی در مقام بیان مرتبه‌های سه‌گانه امر به معروف و نهی از منکر و ارزش و اعتبار هر یک از آن‌ها هستند که انسان مؤمن باید در هر سه مرتبه، عامل به این فریضه باشد تا رضایت خداوند متعال را به‌طور کامل کسب نماید. در دسته‌ای دیگر از روایت‌ها و احادیث از قول امام اول شیعیان، مرتبه قلبی به عنوان حداقل وظیفه یک مکلف مورد توجه خاص قرار گرفته و آن حضرت از شیعیان می‌خواهد اگر برای عمل به مراتب زبانی و دستی عذر و یا بهانه‌ای دارند، لااقل در مرتبه قلبی به درستی عمل نمایند. همچنین مرتبه قلبی خود دارای مراحل است که انتظار هست حداقل انسان، پایین‌ترین مرحله از این مرتبه را کسب نماید.



إذا رأى احدكم المنكر و لم يستطع أن ينكره بيده و لسانه و انكره بقلبه و علم الله
صدق ذلك منه، فقد انكره.

هرگاه یکی از شما، منکری را ببیند و نتواند با دست و زبان جلوی آن را بگیرد، ولی قلباً آن را انکار نماید و خداوند صداقت او را تأیید کند، به وظیفه نهی از منکر خود عمل کرده است. امام در این بیان خود به دو شرط، نهی از منکر قلبی را برای ادامه فریضه کافی می‌داند:

۱. انسان نتواند با دست و زبان نهی از منکر کند؛

۲. خداوند انکار قلبی او را قبول نموده و انسان در این خصوص صادق باشد.

اینک روایت‌های دیگری از آن حضرت را می‌آوریم که در آن‌ها درجات و مراحل این مرتبه را نیز به نوعی بیان فرموده است.

- «الراضی بفعل کالدخل فیه معهم»؛ کسی که نسبت به کار عده‌ای راضی باشد، مانند این است که او نیز با آنان در انجام آن کار شریک است.

رضایت یا عدم رضایت و حب و بغض، کمترین حالتی است که باید انسان وارسته و متقی در قلبش نسبت به معروف و منکر داشته باشد.

- «ایها الناس، یجمع الناس الرضا و السخط. و إنما عقربا ثمود رجل واحد فعمهم الله بالعذاب لما عموه بالرضا»؛ ای مردم، رضا و سخط است که مردم را جمع کرده و هماهنگ می‌نماید. ناقه ثمود را فقط یک نفر از قوم ثمود پی کرد، ولی خداوند همه آن‌ها را عذاب کرد، چرا که دیگران نیز به عمل آن فرد راضی بودند.

- «ادنی الانکاران ان تلقی اهل المعاصی بوجه مکفهرة»؛ حداقل مرتبه نهی از منکر این است که گناهکاران را با ترش‌رویی ملاقات کنی.

پس از حصول نارضایتی از انجام کار ناپسند، حداقل کاری که باید فرد مقید انجام دهد این است که با چهره طبیعی با فرد گناهکار مواجه نشود، بلکه اخم نموده و عدم رضایت خودش را از آن کار ناپسند به نوعی بنمایاند. از این روایت و روایت‌های قبل استفاده

می‌نماییم که دوست داشتن معروف و دوست داشتن منکر در قلب، گرچه به نوبه خود پسندیده است، اما کافی نیست و فرد باید پس از این حب و بغض، عکس‌العمل ظاهری نیز از خود نشان دهد.

بنابراین پس از دوست داشتن عمل صالح و صالحان، باید سعی کرد که مانند آن‌ها شد تا دیگران نیز به این کار تشویق شوند. همچنین پس از حصول بغض و ناخشنودی در دل نسبت به گناه و گناهکاران، باید ناخشنودی خود را از عمل آنان به نحوی (ولو با ترش‌روی)، آشکار نمود. اصولاً عامل بودن آمر و ناهی به اعتقادات و افکار خود، که توقع آن را از دیگران دارد، جزء شرایط حائز اهمیت است و در این میان، سیره عملی انسان در امور خیر، خود بهترین آمر به معروف می‌باشد. این موضوع در ضمن حدیث مولای متقیان آمده است که فرمود: «کسی که خود را مقتدای دیگران می‌داند باید اول خودش را آموزش دهد و کاری کند که تأثیرش بر دیگران به واسطه سیره‌اش باشد نه زبان». از مجموع مطالب گذشته چنین نتیجه گرفته می‌شود که در کلام علی علیه‌السلام، امر به معروف در مرتبه قلبی، دارای سه مرحله است:

۱. دوست داشتن عمل صالح و صالحان؛

۲. رفتن به طرف عمل صالح و صالحان؛

۳. انجام عمل نیک، طوری که مایه تأسی دیگران گردد.

همچنین نهی از منکر در مرتبه قلبی دارای سه مرحله است:

۱. بغض و سخط نسبت به گناه و گناهکاران؛

۲. برخورد ترش‌روانه با گناهکاران؛

۳. دوری جستن و اجتناب از عمل زشت. (تا مایه عبرت دیگران باشد)





۵. ضرورت امر به معروف و نهی از منکر

مسئله امر و نهی و تشویق و هشدار، ریشه در درون هر انسانی دارد و فطرت پاک هر شخصی اعمال زشت و ناپسند را نمی‌پذیرد و نسبت به کارهای خوب روی خوش نشان می‌دهد.

گذشته از اینکه مسئله هشدار و اخطار و یا فریاد در برابر خطرها و انحراف‌ها مخصوص انسان‌ها نیست. در قرآن می‌خوانیم:

«همین که مورچه‌ای دید حضرت سلیمان با لشکرش در حرکت‌اند، فریاد زد و به سایر مورچگان گفت: به لانه‌های خود بروید تا پایمال آنان نشوید».

«و همین که هدهد در پرواز خود از فضای کشور سبا متوجه انحراف مردم شد و دریافت که مردم خورشید پرست‌هند، نزد حضرت سلیمان آمد و با ناله خود، از این انحراف شکایت کرد».

بنابراین، انجام امر به معروف و نهی از منکر ریشه در غریزه‌ها و فطرت انسان‌ها دارد.

۵. ۱. اصلاح فرد و جامعه

امر به معروف و نهی از منکر هم می‌تواند نقش بازدارندگی و پیشگیری را ایفا کند و به حفظ و ارتقای سلامت فردی و سلامت اجتماعی کمک کند و هم می‌تواند نقش درمان و رشد را ایفا کند و از گسترش ناهنجاری‌ها و آسیب‌های گناه و فساد جلوگیری کند.

به عبارت دیگر با گسترش فرهنگ امر به معروف، هر فردی از اجتماع سعی می‌کند خودش به خوبی‌ها آراسته شود و از پلیدی‌ها دوری کند، زیرا اگر می‌خواهد به دیگران امر به معروف کند به خود می‌آید که از ناهنجاری‌ها دور باشد و کسی مرتکب خطا می‌شود از پذیرش افکار عمومی جامعه دور می‌شود و برای او بسیار شکننده و آزاردهنده است و سعی می‌کند در اولین فرصت از کار خطای خود پشیمان شود تا مورد احترام دیگران قرار گیرد.

۵.۲. ضمانت اجرای قانون

بدیهی است زندگی اجتماعی انسان دو نیاز حتمی دارد؛ یکی آنکه بشر در زندگی خود نیازمند قانون است و زندگی اجتماعی، بدون قانون سامان نمی‌یابد. دیگر آنکه قانون، نیازمند ضمانت اجراست، زیرا تدوین قانون و ارائه آن، به تنهایی مشکل انسان را حل نمی‌کند ضمانت اجرایی قوانین و مقررات در جامعه دو گونه است؛ درونی و برونی.

ضمانت اجرایی درونی قوانین و مقررات همان ایمان به خدا و قیامت است، اگر انسانی در پرتو تربیت صحیح به ایمان دست یابد و خدا را ناظر بر اعمال خود بداند و بیابد که پیوسته در محضر خداست و قیامتی وجود دارد که او باید پاسخگوی اعمال خود باشد، به گونه ای عمل می‌کند که علاوه بر صلاح و سعادت دنیوی، خوشبختی و سعادت ابدی خود را رقم می‌زند که نتیجه طبیعی آن عمل به قوانین و مقررات خواهد بود.

البته تنها ضمانت اجرایی درونی در همه شرایط و برای همه انسان‌ها کارایی ندارد از این رو باید ضمانت اجرایی بیرونی نیز وجود داشته باشد که همان نظارت عمومی مردم و در مراحل بعد مسئولیت نیروی انتظامی و قوه قضائیه به عنوان ضامن اجرای قوانین اجتماعی است هم اکنون نیز بسیاری از کشورهای جهان برای اجرای شدن قوانین خود و مبارزه با تخلفات، شیوه‌های مختلفی را اعمال می‌نمایند که شباهت‌های زیادی به این فریضه اسلامی دارد. بنابراین وجود امر به معروف، اگر نگوییم تنها عامل لازم برای اجرای قانون در جامعه است، بی شک برای نظارت بر اجرای قانون و سلامت اجرای آن، نقش اساسی و اجتناب‌ناپذیر دارد.

۵.۳. ضرورت ایجاد امنیت

برخی نیازهای جوامع بشری به منزله هوا برای بدن انسان می‌باشند و همیشه جامعه به آن نیاز دارد؛ نیاز جامعه به امنیت از این نوع است.





در حدیث نبوی مشهوری چنین آمده است: «نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ الْأَمْنُ وَ الْعَافِيَةُ». دو نعمت پوشیده و ناشناخته است، امنیت و عافیت. راز ناشناخته بودن این دو نعمت در آن است که وقتی جامعه به اهمیت آن‌ها پی می‌برد که آن‌ها را از دست داده باشد. یکی از مهم‌ترین راهکارهای تحقق امنیت در جامعه و جلوگیری از بزهکاری و انحرافات اجتماعی، وجود یک سیستم کنترل اجتماعی مؤثر و کارآمد است و این همان نقش اساسی امر به معروف و نهی از منکر در جامعه است.

از همین رو در روایات اسلامی برقراری امنیت به عنوان یکی از فلسفه‌های تشریح این دو فریضه الهی یاد گردیده است.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ». به وسیله امر به معروف و نهی از منکر، واجبات و وظایف برپا می‌شود و راه‌ها ایمن می‌گردد.

۵. ۴. ضامن حفظ شریعت

خداوند متعال به وسیله تشریح امر به معروف و نهی از منکر، نظارت بر حسن اجرای احکام الهی را بر عهده فرد فرد جامعه اسلامی از هر قشری نهاد، از این رو هر فرد و گروهی همواره چشمان بیدار امت اسلامی را مراقب خویش دانسته و تلاش می‌کند، حتی الامکان قوانین اسلامی را رعایت نموده و زیر پا نگذارد.

بررسی متون اسلامی نیز گویای آن است که هیچ یک از عبادات و اعمال شایسته، به جز امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان عامل برپایی شریعت و ضامن بقا و استمرار احکام و دستورات الهی معرفی نشده است.

امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «قَوَامُ الشَّرِيعَةِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ برپایی شریعت و دین، امر به معروف و نهی از منکر است.

امام حسین علیه السلام نیز فرموده اند:

فَبَدَأَ اللَّهُ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةً مِنْهُ لِعَلِمِهِ أَنَّهَا إِذَا أُدِيَتْ وَ أُقِيمَتْ اسْتَقَامَتِ الْفَرَائِضُ كُلُّهَا هَيْئَهَا وَ صَعْبَهَا.

خداوند از امر به معروف و نهی از منکر به عنوان تکلیف واجب از خود آغاز کرد، زیرا می دانست اگر امر به معروف و نهی از منکر انجام شود، همه دستورات دینی از آسان و دشوارش، برپا می شود.

گذشته از متون دینی تجربه نشان می دهد که در طول تاریخ پریشیب و فراز اسلام نیز هرگاه مسلمانان نسبت به هم احساس مسئولیت می کردند و یکدیگر را به اعمال شایسته دعوت می کردند و از بدی ها باز می داشتند، دستورات الهی نیز ارزش خود را در متن جامعه پیدا می کرد و گناه در جامعه کمتر رخ می داد.

در غیر این صورت احکام الهی از مانند نماز، روزه، زکات، حج و... هر روز کم رنگ تر و بی فروغ تر می گشت.

۴.۵. مصلحت عمومی جامعه

یکی دیگر از فلسفه های امر به معروف و نهی از منکر در تأمین مصالح عمومی جامعه نهفته می باشد؛ بر همین اساس حضرت زهرا علیها السلام در خطبه فدکیه فرموده اند: «جعل الله... الأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَامَّةِ»؛ خداوند امر به معروف را به خاطر صلاح توده مردم قرار داده است.





۵. طرد ناهلان از پست‌های کلیدی

حضرت علی علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «فَرَضَ اللَّهُ... الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَوَامِّ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعاً لِلْسُّفَهَاءِ»؛ «خداوند امر به معروف را به خاطر مصلحت توده مردم، و نهی از منکر را برای بازداشتن بی‌خردان، تشریح و واجب کرد».

و یا در بیان دیگری فرمودند: «لَا تَتْرَكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيَوَلَّى عَلَيْكُمْ [أَشْرَاؤَكُمْ] شِرَاؤَكُمْ»؛ امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که تبهکاران بر شما چیره می‌گردند.

مایکل کوک، استاد تحقیقات خاور نزدیک دانشگاه پرینستون آمریکا و اسلام‌شناس متفکر در یکی از روزهای ماه سپتامبر ۱۹۸۸ در روزنامه‌ای می‌خواند که در ایستگاه قطار شهری شیکاگو، در حضور جمعی از مردم زنی مورد تجاوز قرار می‌گیرد. زن از حاضران در صحنه کمک می‌خواهد، ولی فریادهای او بی‌پاسخ می‌ماند. متجاوز به سادگی از صحنه می‌گریزد؛ پس از رسیدن قطار، همه با بی‌تفاوتی سوار می‌شوند و به راه خود می‌روند.

نویسنده کتاب پس از خواندن این خبر با خود می‌اندیشد: «ما به نوعی وظیفه داریم دیگران را از ارتکاب کارهای ناپسند نسبت به هم‌نوع خود باز داریم»، اما به این نتیجه می‌رسد که در زندگی دنیای غرب نامی برای این وظیفه وجود ندارد و دستورالعملی برای آن تدوین نشده است. نویسنده اعتراف می‌کند که خود چیزی در این مورد نمی‌دانسته، تا اینکه در جریان پژوهش‌های اسلامی خود، از آن آگاه شده و دریافته است که اسلام نام و تعالیمی ویژه برای چنین وظیفه‌ای دارد که اسم آن «امر به معروف و نهی از منکر» است.

۶. آثار و برکات امر به معروف و نهی از منکر

آثار و برکات مادی و معنوی فراوانی در زندگی فردی و اجتماعی بر جای می‌گذارد که به طور مختصر اشاره می‌شود:

۶. ۱. آثار فردی امر به معروف و نهی از منکر

۶. ۱. ۱. سلامت دنیا و آخرت

امام علی علیه السلام فرموده است: «ثَلَاثُ خِصَالٍ مَنْ كُنَّ فِيهِ سَلِمَتْ لَهُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ؛ مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَتَمَّرَبَهُ، وَنَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَاتَّقَى عَنْهُ، وَحَافِظَ عَلَى حُدُودِ اللَّهِ».

هر کس سه خصلت و ویژگی را داشته باشد، در دنیا و آخرتش سالم (و سودمند) خواهد بود؛ کسی که امر به معروف کند و خودش نیز به آن گردن نهد و کسی که نهی از منکر کند و خود نیز بدان روی نیاورد و کسی که حدود الهی را محافظت و پاسداری نماید».

۶. ۱. ۲. عزت دنیا و آخرت

حضرت باقر علیه السلام می فرماید: «الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ فَمَنْ نَصَرَهُمَا أَعَزَّهُ اللَّهُ وَ مَنْ خَدَلَهُمَا خَدَلَهُ اللَّهُ».

امر به معروف و نهی از منکر دو مخلوق از مخلوقات خدای عزوجل هستند؛ پس کسی که آن دو را یاری کند خدا او را عزیز کند و کسی که آن‌ها را یاری نکند خدا او را یاری نخواهد کرد.

۶. ۱. ۳. نجات از بلاى الهی

درباره «اصحاب سبت» و گروهی از یهودیان که در روز شنبه صید بر آنان تحریم شده بود، عده‌ای با حيله شرعی حوضچه‌هایی در ساحل حفر کردند تا بر اثر جزر و مدّ دریا، ماهی‌ها در حوضچه‌ها جمع شوند و بعد در روز بعد آن‌ها را صید نمایند.

در این ماجرا عده‌ای بی طرف بودند و عده‌ای نهی از منکر می نمودند. بر اساس قرآن کریم وقتی عذاب الهی نازل گشته فقط ناهیان از منکر نجات یافتند، اما خطاکاران و حتی تماشاچیان بی طرف هلاک شدند.





«فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ»؛ پس چون آنچه را که به آنان تذکر داده شده بود، فراموش کردند، ما نهی‌کنندگان از بدی را نجات دادیم و کسانی را که فسح، می‌ورزیدند، به عذاب زیانبار گرفتار کردیم.

۶. ۱. ۴. شرکت در ثواب دیگران

رسول خدا ﷺ فرمود: «مَنْ يَأْمُرُ بِمَعْرُوفٍ أَوْ يَنْهَى عَنِ مُنْكَرٍ أَوْ دَلَّ عَلَى خَيْرٍ أَوْ أَشَارَ بِهِ فَهُوَ شَرِيكٌ وَمَنْ أَمَرَ بِشَرٍّ أَوْ دَلَّ عَلَيْهِ أَوْ أَشَارَ بِهِ فَهُوَ شَرِيكٌ»؛ هر کس امر به معروف و نهی از منکر کند، یا به کار خیری راهنمایی نماید، یا حتی اشاره‌ی بدان نماید، (راه خوب و کار نیک را با اشاره نشان دهد.) پس او (در ثواب آن عمل) شریک است. هر کس به کار بد، (بدی‌ها) امر کند یا بدان دلالت و یا اشاره نماید، او نیز (در گناه آن عمل) شریک است.

۶. ۱. ۵. رهایی از دوزخ

نبی اکرم ﷺ فرمود: «رَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي فِي الْمَنَامِ قَدْ أَخَذَتْهُ الرَّبَّانِيَةُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَجَاءَهُ أَمْرَةٌ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهْيَةٌ عَنِ الْمُنْكَرِ فَخَلَّصَاهُ مِنْ بَيْنِهِمْ وَ جَعَلَاهُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ»؛ شبی در خواب دیدم که شعله‌های آتش (دوزخ) مردی را در بر گرفته‌اند، ولی امر به معروف و نهی از منکر آمدند و او را از آتش نجات داده با فرشتگان قرار دادند.

۶. ۲. آثار اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر ارزنده‌ترین آثار را در جامعه می‌تواند داشته باشد که به برخی موارد اشاره می‌شود:

۶. ۲. ۱. عدالت اجتماعی

نظارت عمومی، زمینه فراگیری عدالت اجتماعی را فراهم می‌سازد و ضمن تعدیل ثروت‌های جامعه، زندگی عادلانه‌ای برای اقشار مختلف مردم فراهم خواهد. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ... وَ قِسْمَةَ الْفَيْءِ وَ الْغَنَائِمِ وَ أَخْذِ الصَّدَقَاتِ مِنْ مَوَاضِعِهَا وَ وَضْعِهَا فِي حَقِّهَا»؛ [امر به معروف و نهی از منکر]، همچنین تقسیم [عادلانه] بیت‌المال و غنایم را در پی دارد و صدقات [مالیات‌های شرعی] از جاهای لازم گرفته شده در جای حق و مناسب مصرف می‌شود.

۶. ۲. ۲. جلوگیری از انحراف دستگاه‌های حکومتی

نظام اجتماع از طریق امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند عملکرد مسئولین را تحت کنترل خود قرار داده و از انحراف حاکمیت و دستگاه‌های حکومتی جلوگیری نماید. با اجرای این فریضه الهی است که مردم بر عملکرد دولت نظارتی مستمر خواهند داشت و کارهای هر یک از مسئولان و ماموران دولتی را زیر ذره بین خواهند برد و با اظهار نظر خویش از راه‌های ممکن، آنان را بر پیاده کردن صحیح قوانین وادار خواهند ساخت و از کم‌کاری، کارشکنی، نقض قانون، خیانت و وطن‌فروشی احتمالی آنان جلوگیری خواهند کرد.

در این مورد نیز حضرت امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «... بها... يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ»؛ به وسیله امر به معروف و نهی از منکر امر (حکومت)، مستقیم می‌گردد. با اجرای این فریضه، حکومت اصلاح شده و قوام می‌یابد.

مقام معظم رهبری نیز در اهمیت امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید:

جامعه اسلامی با امر به معروف و نهی از منکر زنده می‌ماند، قوام حکومت اسلامی به امر به معروف و نهی از منکر است. بقای حاکمیت اخبار (فرهیختگان) به این است که در جامعه، امر به معروف و نهی از منکر زنده باشد.





۶. ۲. ۳. حلال شدن درآمدها

از دیگر آثار و برکات امر به معروف و نهی از منکر حلال شدن درآمدها می باشد چرا که با انجام این فریضه است که راه های صحیح کسب و تجارت و پیشرفت صنعت هموار گشته و هر کسی در خور استعداد خویش به امرار معاش می پردازد و از طرفی بیکاری، گرانفروشی، احتکار، اختلاس، قاچاق، رشوه، کم فروشی و کسب و کار زیان آور و سایر انحرافات اقتصادی ریشه کن گشته کسب و درآمد مردم حلال و پاکیزه می گردد.

حضرت باقر علیه السلام در این باره می فرماید: «بها... تَحِلُّ الْمَكَايِبُ»؛ به وسیله امر به معروف و نهی از منکر کسب و کارها حلال می شود.

۶. ۲. ۴. عمران و آبادی زمین

سلامتی جامعه و فراوانی خیر و برکت آبادی و عمران زمین از دیگر ثمرات برجسته امر به معروف و نهی از منکر می باشد.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده اند: «لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نَزَعَتْ مِنْهُمْ الْبَرَكَاتُ».

تا زمانی که امت من امر به معروف و نهی از منکر کنند، و در کار نیک به یاری یکدیگر برخیزند، بر خیر و سلامتند؛ و چون چنین نکنند، برکات از ایشان گرفته می شود.

امام باقر علیه السلام در بیان یکی دیگر از برکات امر به معروف نیز بیان داشته اند: «بها... تُعْمَرُ الْأَرْضُ»؛ به وسیله امر به معروف و نهی از منکر زمین آباد می شود.

۶. ۲. ۵. تقویت روحیه نقد و نقدپذیری در جامعه

تقویت روحیه نقدپذیری انسان با اجرای این دو فریضه امکان پذیر می شود؛ وقتی به صورت مکرر انسان مورد نقد خیرخواهانه دیگران واقع شود، روحیه نقدپذیری در او احیاء و

تقویت می‌شود. فرد وقتی که از طریق امر به معروف و نهی از منکر عملش در بوته نقد گذاشته شد، آستانه تحملش بالا می‌رود و خود همین عمل باعث اصلاح او خواهد گردید.

منابع:

قرآن کریم

۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۴)، تفسیر نمونه، ج ۶، تهران: اسلامیه.
۲. حائری شیرازی (۱۳۶۰)، تربیت اسلامی، تهران: انتشارات دفتر تحکیم وحدت تهران.
۳. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم: آل‌البیت علیهم‌السلام.
۴. موسوی خمینی، سید روح‌الله (بی‌تا)، تحریر الوسیله، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۵. داوودی، محمد (۱۳۸۴)، سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام، قم: حوزه و دانشگاه.
۶. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۰۲)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالکتب العربیه.
۷. سیف، علی اکبر (۱۳۸۴)، روانشناسی پرورشی نوین، چ ۱۴، تهران: مؤسسه انتشاراتی آگاه.
۸. شریعتمداری، علی (۱۳۸۴)، تعلیم و تربیت اسلامی، چ ۶، تهران: آگاه.
۹. شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵)، تهذیب الاحکام، چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.



١٠. شيخ مفيد، محمد بن نعمان (١٤١٠)، المقنعه، ج٢، قم: انتشارات جامعه مدرسين.

